

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۴۲۲



دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

## پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

**محور های فکری شعر نو از سال ۲۲ تا ۵۲**

استاد راهنما:

دکتر قهرمان شیری

استاد مشاور:

دکتر عیسی نجفی

۱۳۸۸/۹/۱۸

تایید استاد راهنما  
تسبیح‌زاد

نگارش:

آذر جمشیدی

شهریور ۱۳۸۸

۱۲۶۶۸۴

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و  
نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه  
متعلق به دانشگاه رازی است.



دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

## پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی




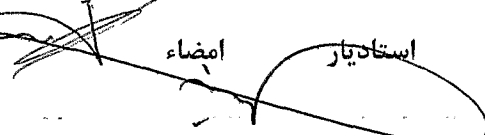
عنوان:

**محور های فکری شعر نواز سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۲**

نگارش:

**آذر جمشیدی**

در تاریخ ۸۸/۶/۲۵ توسط هیات داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

	امضاء	دانشیار	(۱) استاد راهنمای پایان نامه دکتر قهرمان شبیری با مرتبه علمی
	امضاء	استاد یار	(۲) استاد مشاور پایان نامه دکتر عیسی نجفی با مرتبه علمی
	امضاء	استادیار	(۳) استاد داور داخل گروه: دکتر سوسن جبری با مرتبه علمی
	امضاء	استادیار	(۴) استاد داور خارج گروه: دکتر محمد ایرانی با مرتبه علمی

۱۳۸۸/۹/۱۸

شهریور ۱۳۸۸

## تقدیر و سپاس:

آفریدگار یکتا را سپاس می گویم و بر درگاه حضرتش سجده شکر به جا می آورم؛ همان که از گلشن رحمتش رسولانی امین برخاستند تا کاروان درمانده بشر را به سر منزل امن رهنمود سازند و جان عطشناک حیرت زدگان را از شراب ولایت لبریز کنند.

به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» برخورد واجب می دانم که از زحمات بی شائبه ی اساتید بزرگوارم، خصوصاً از راهنمایی های بسیار ارزنده استاد فرزانه جناب آقای دکتر قهرمان شیری تشکر و قدردانی کنم که اگر نبود یاری و راهنمایی استادان مهر ورزم، هرگز این پایان نامه به سرانجام نمی رسید و این حقیر بدین مرتبه . در پایان از درگاه یگانه ی بی همتا سلامتی و سر بلندی را برای آن عزیزان خواهانم.

## تقدیریم به :

تمام شهیدانی که برای استقلال و آزادی ایران جنگیدند و جان خود را فدای نابودی شب  
ظلم و بیداد کردند .

و به پدر و مادر عزیزم که در این راه یار و همراهم بودند.

## چکیده:

در فاصله ی سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ تحت تاثیر شرایط اجتماعی و سیاسی ایران جریانات مختلفی در شعر نو شکل گرفت. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، رمانتیسم سیاه جریان مسلط شعر نو شد. نصرت رحمانی نماینده ی شاخص این جریان بود. این جریان پر از مضامینی از قبیل یاس، مرگ و اندوه و گناه بود. علاوه بر رمانتیسم سیاه، شاخه های دیگر این جریان شامل رمانتیسم غنایی، رمانتیسم اجتماعی و رمانتیسم عرفانی است که در فصل اول به آن پرداخته شده است. استبداد، خفقان و سانسور موجود در جامعه راه را برای سیطره ی سمبولیسم بر شعر هموار می کند. شاعران با استفاده از زبان نماد و دنیای استعاره و تمثیل مضامین اجتماعی و سیاسی خود را بیان می کنند. همزمان با انقلاب سفید شاه فرمالیسم که از مدتها قبل شکل گرفته بود حضور خود را در شعر تثبیت می کند و شاعران بسیاری را به خود جذب می کند. این نوع شعر فارغ از هر نوع تعهد و طرفدار شعر ناب بود. با شکل گیری مبارزات چریکی و مسلحانه شاخه ای در شعر به نام شعر مبارزه و مقاومت شکل می گیرد. جریان مسلط دهه ی چهل شعر مقاومت و مبارزه است. این شعر عملاً قصد انقلاب دارد و پر از واژه های خون، تفنگ، اسلحه، انقلاب و ... است. شعر نو در فاصله ی سالهای یاد شده، اسطوره های ملی و جهانی را به کمک می گیرد تا از استحاله ی فرهنگی جلوگیری کند. از زبان طنز برای بیان معضلات اجتماعی مدد می گیرد. نوع نگاه سنتی به انسان را دگرگون می کند و خواستار ارزشمندی برای انسان است. همچنین در این دوره متاثر از جریانات فمینیستی غرب در دفاع از حقوق زن، عده ای از شاعران زن به حمایت و دفاع از حقوق پایمال شده ی زن می پردازند و خواستار برابری و رفع تبعیض برای زنان می شوند. در آخرین مبحث این پایان نامه، به تاثیر اقلیم و محیط جغرافیایی بر جهان بینی شاعر پرداخته شده است. جهان بینی جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی یک منطقه نوع خاصی از باورها و نگاه ها را در شاعران یک منطقه به وجود می آورد که او را از منطقه ی دیگر متمایز می سازد.

کلید واژه: شعر نو، محور های فکری، تحولات سیاسی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	چکیده .....
۱	پیشگفتار .....
	فصل اول .....
۳	رمانتیسیم .....
	فصل دوم .....
۲۳	سمبولیسیم .....
	فصل سوم .....
۳۵	اسطوره گرایی .....
	فصل چهارم .....
۴۸	شعر مقاومت و مبارزه .....
	فصل پنجم .....
۵۸	فرمالیسیم .....
	فصل ششم .....
۶۴	طنز .....
	فصل هفتم .....
۷۱	اومانیسیم .....
	فصل هشتم .....
۸۱	فمنیسیم .....
	فصل نهم .....
۹۳	اقلیم گرایی .....
۹۹	نتیجه گیری .....
۱۰۱	منابع و ماخذ .....



## پیشگفتار:

یکی از دلایل پیدایش شعر نو عدم پاسخگویی قالب های سنتی به مفاهیم و مضامین جدید بود. هر چند نیما این سنت شکنی را در شعر فارسی با انتشار افسانه به وجود آورد اما با مخالفت های زیادی روبه رو شد، اما واقعیت این بود که قالب های سنتی پاسخگوی نیازهای اجتماعی جدید نبود. این افکار جدید قالب جدیدی را طلب می کرد. به همین دلیل با وجود مخالفتها و استهزاهای طرفداران شعر سنتی، شعر نو همچنان پیش رفت و خود را به تثبیت رسانید.

در این تحقیق کوشش شده است مهمترین محور های فکری در سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ مشخص شود. فصل اول به بررسی تأثیر کودتا بر شعر نو فارسی می پردازد. شکست نهضت ملی در کودتای ۲۸ مرداد تأثیری عمیق بر شاعران و روشنفکرانی که برای خود آرمانهای بسیاری را ساخته بودند گذاشت. بسیاری از این شاعران از طرفداران حزب توده بودند که به باور بسیاری از محققان و صاحب نظران حزب توده نقش مهمی را در ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ داشته است.

بنابراین بسیاری از شاعران که سر خورده شده بودند به پناهگاه دیگری روی آوردند. شعر سیاه با مضامینی از قبیل مرگ و اندوه، شعر ارو تیک، بی اعتنایی به زندگی، عصیان و... مضامین این اشعار را تشکیل می داد و نمایندگان مانند فریدون توللی، مشیری، نصرت رحمانی، نادر پور فروغ فرخزاد در سه دیوان اول خود را می توان از نمایندگان این جریان بر شمرد.

جریان دومی که در شعر فارسی شکل گرفت سمبولیسم اجتماعی بود. نیما به عنوان بنیان گذار شعر نو پایه گذار این جریان بود. او از عناصر طبیعی اطراف خود استفاده کرد و آنرا به عنوان نمادی برای بیان مفاهیم اجتماعی به کار گرفت. بعد از او نیز دیگر شاعران پیرو نیما از عناصر پیرامون خود استفاده کردند و آنها را به عنوان سمبول برای بیان مفاهیم اجتماعی به کار گرفتند. مثلاً توجه به عناصر ملی و حماسی و باستانی به عنوان سمبولی برای بیان مفاهیم اجتماعی استفاده کردند. هر کدام از آنها بسته به نوع علاقه ای که به موضوعات مختلف داشتند از سمبول های متنوعی برای بیان مفاهیم و مقاصد اجتماعی خود استفاده می کردند.

جریان سومی که در شعر فارسی شکل گرفت موج نو و شکل سازمان یافته آن یعنی شعر حجم بود. موج نو هنری بود مورد درخواست عده ای از افراد جامعه که دوست دار مدرنیسم مورد ادعای حکومت پهلوی بودند. این جریان از سوی نظام حاکم مورد تأیید بود و مجلات رسمی به شدت از آن حمایت می کردند. این جریان یک جریان غیر متعهدانه و سنت شکن بود و مبهم گویی و پیچیده نویسی از ویژگیهای بارز آن بود. آنها طرفدار شعر ناب یا هنر برای هنر بودند.

جریان چهارمی که در این دوره به وجود آمد شعر سیاسی یا چریکی بود که به نامهای دیگری همچون شعر مقاومت، شعر متعهد و شعر سلاح نیز نامیده میشود. این جریان بر خلاف سمبولیسم اجتماعی که با

زبان نماد و تمثیل و اسطوره به بیان مسائل اجتماعی و مبارزه می پرداختند آشکارا به مبارزه با وضعیت موجود می پردازد و از واژه هایی همچون تفنگ، اسلحه، خون، مسلسل و... استفاده می کند. علاوه بر این محورهای اصلی یاد شده جریانهای دیگری نیز در حال شکل گیری بود که تا قبل از این تاریخ در شعر فارسی سابقه نداشت. از جمله انسانگرایی و توجه به حقوق فردی و ارزشهای جمعی، و مورد تردید قرار دادن سلطه ی نظام استبدادی؛ توجه به حقوق زن و شکل گیری شعر زنانه برای اولین بار در شعر فارسی؛ استفاده از زبان طنز برای در امان ماندن از سانسور و نقد شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه.

فصل اول

رمانتیسزم

نظریه پردازان سیاسی و اجتماعی پیرامون علل شکست جنبش ملی ایران در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به تجزیه و تحلیل‌های گوناگونی پرداخته اند. برخی از آنها عدم انسجام و هماهنگی جناح‌های مختلف که عموماً مقابل هم قرار می‌گرفتند، برخی فساد نظام اداری و مقاومت اشراف، خوانین، درباریان، تجار و ... را در مقابل مصدق عامل شکست می‌دانند و عده‌ای قدرتهای بزرگ انگلیس و آمریکا را عامل اصلی کودتا می‌دانند.

غلامرضا نجاتی در تاریخ سیاسی ۲۵ ساله‌ی ایران می‌نویسد:

«واقعیت این است که ملت ایران در مبارزه ضد استعماری خود، تا پایان نبرد در صحنه باقی نماند و برای دفاع از آزادی و حیثیت خود ایستادگی نکرد. و در چنین شرایطی بود که محکوم به شکست شد.»<sup>۱</sup>

به طور قطع شعر فارسی در طول تاریخ هزار ساله‌ی خود تا کنون هرگز بر کنار از جریان‌های اجتماعی، سیاسی جامعه خود نبوده است. و هر یک از شعرا و نام‌آوران شعر پارسی آئینه‌ی تمام‌نمای عصر خود بوده‌اند. کودتای ۲۸ مرداد نیز به عنوان یک حادثه‌ی فراموش‌نشده در تاریخ ملت ایران بر حافظه‌ی شعر فارسی اثر گذاشت و به باور بسیاری از تحلیلگران جریانی به نام رمانتیسم سیاه در شعر فارسی شکل گرفت.

رمانتیسم قبل از این تاریخ نیز در شعر فارسی شکل گرفته بود و بسیاری نیما را بنیانگذار رمانتیسم در شعر نو می‌دانند هر چند که نیما بعد از گذر از این جریان به طور کامل به سمت سمبولیسم گرایش پیدا کرد. یکی از جریان‌هایی که در فاصله‌ی سالهای ۳۲ تا ۴۱ در شعر نو فارسی پدید آمد جریان رمانتیسم با شاخه‌های چند گانه آن بود که شامل رمانتیسم سیاه، رمانتیسم غنایی، رمانتیسم عرفانی یا اعتزالی، رمانتیسم احیاطلب یا ناسیونالیستی و رمانتیسم اجتماعی است. هر چند که این مکتب با آنچه که در اروپا شکل گرفته فرق می‌کند و نمی‌توان شرایط اجتماعی و سیاسی آن روز اروپا و ویژگیهای رمانتیسم اروپایی را با این نوع از شعر ایران مطابقت داد. چنانکه سعید نفیسی معتقد است که ما نمی‌توانیم مطلقاً این اصطلاح را در مورد ادبیات فارسی به کار بریم چرا که نمی‌توان مصادیق آن را بر شعر فارسی مطابقت داد.<sup>۲</sup>

رمانتیسم در سطح ادبی خود علاقه مند به تأکید بر آزادی، فردگرایی، ذهن‌گرایی غریب و طرح رؤیایی گذشته و طبیعت و کودکی است.

۱ - تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، سرهنگ غلامرضا نجاتی، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ سوم، تهران ۱۳۷۱

۲ - چشم انداز شعر نو فارسی: دکتر حمید زرین کوب، انتشارات توس، تهران، ۱۳۵۸، ص ۲۱۶

رمانتیک دو معنا دارد. یک معنای خاص که صفت است برای مکتب شعری خاصی که در قرن نوزدهم در اروپا رونق گرفت و دنباله آن هم به ایران راه یافت و یک معنای عام که عبارت است از هر گونه شعری که حال و هوای غنائی و اندوهگین داشته و بر احساس تاکید فراوانی داشته باشد.<sup>۱</sup> ارنست فیشر در کتاب ضرورت هنر، رمانتیسم را جنبشی پرخاشگرانه و متناقض با جهان با سرمایه داری و یکتواختی خشن داد و ستد می داند.<sup>۲</sup>

همان طور که گفته شد بعد از کودتا جریانی به نام رمانتیسم سیاه در شعر نوبه وجود آمد. قبل از پرداختن به مشخصات این نوع شعر و نمایندگان شاخص آن نگاهی به حزب توده و نقش آن در شکل گیری این جریان می افکنیم.

حزب توده بلافاصله پس از تبعید رضا شاه و آزادی زندانیان سیاسی نه چندان خطرناک ظهور کرد. ۲۷ تن از اعضای جوانتر پنجاه و سه نفر مارکسیست مشهور، سیزده روز پس از تبعید رضا شاه، در تهران گرد هم آمدند و تشکیل سازمانی سیاسی به نام حزب توده را دادند.<sup>۳</sup>

در اواسط سال ۱۳۳۲، حزب توده تنها حزبی بود که خط مشی معین، ساختار منظم و سازمانی سرتاسری داشت. در استانهای شمال تهران در همه ی بیست و یک شهر با جمعیت بالای بیست هزار نفر و در ۹ شهر از هفده شهر با جمعیت بین ده تا بیست هزار نفر شعبه داشت، همچنین کانونهایی مخفی در شش شهر از بیست و سه شهر با جمعیت بیش از بیست هزار نفر، اصفهان، اراک، قم، همدان، اهواز و کرمانشاه دایر کرده بود. علاوه بر آن شش روزنامه ی بزرگ به نامهای رهبر، مردم، رزم در تهران، راستی در مشهد، آذربایجان در تبریز، و جودت در اردبیل منتشر می کرد.

در بزرگداشت دومین سالگرد حزب توده، سی هزار نفر در تهران شرکت کردند، در جشن دومین سالگرد حزب توده سی هزار نفر در تهران گرد آمدند.<sup>۴</sup>

بازرگان وضعیت سالهای ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ یعنی زمانی که رئیس دانشکده فنی بود را به گونه ای توصیف کرده است که بزرگترین مشکل مدیریت دانشگاه را ناشی از نفوذ حزب توده در بین قشر عظیمی از دانشجویان، استادان، کارمندان و حتی مستخدمین می داند.<sup>۵</sup>

نفوذ حزب توده در بین روشنفکران، به ویژه نویسندگان حتی شدید تر بود. علاوه بر نویسندگان مهمی چون بزرگ علوی، نوشین، توللی، پرویزی، آل احمد، آرام، گلستان، که در سازمان فعالیت داشتند، بسیاری نویسندگان مشهور دیگر نیز به خصوص در دوره ی پیش از ۱۳۲۶ هوادار حزب توده بودند از آن جمله بود نیمایوشیچ پدر شعر نو فارسی که تا زمان مرگش در سال ۱۳۳۶ به حمایت از حزب توده ادامه

۱ - همان، صص ۱۶-۲۱۲

۲ - «رمانتیسم اصول و نفوذ آن در شعر ایران» رضا، اشرف زاده، مجله ی دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال اول و دوم شماره سی و پنجم، بهار و تابستان ۱۳۸۱

۳ - ایران بین دو انقلاب، پروانه آبراهیان، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۲، صص ۴-۲۵۳

۴ - همان، ص ۲۶۳

۵ - همان، ص ۲۶۳

داد. هدایت، صادق چوبک، احمد شاملو و گروهی شاعر نو و مستعد چون نادر پور، نقی میلانی، محمد جواهری را به خود جلب کرد. بدین صورت اسامی نویسندگان و شاعران طرفدار حزب توده می تواند شرح رجال ادبیات نوین ایران باشد. همچنان که تایمز لندن در سال ۱۳۲۶ اشاره کرد. حزب توده، مستعد ترین و تحصیلکرده ترین جوانان ایرانی را جذب کرد.<sup>۱</sup>

شواهد و اسناد موجود این سالها حاکی است که حزب توده و اندیشه های مارکسیستی آن نفوذ بسیاری در اذهان جوانان و روشنفکران به ویژه شاعران این سالها داشته است و ادعای مارکسیستها در خصلت انقلابی بودن این مکتب و نجات توده ی استعمار زده از دست نظام سرمایه داری، این حزب را به صورت پایگاه امیدی برای بسیاری از روشنفکران و شاعران ساخته بود اما حوادث آینده واقعیات دیگری را آشکار ساخت. حزب توده در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و شکست جنبش ضد استعماری مردم ایران نقش مهمی ایفا کرد و کفاره ی خیانت رهبرن حزب، برای اعضای آن به بهای سنگینی تمام شد.

رهبری حزب توده گمان می کرد کودتای ۲۸ مرداد تنها شکست جبهه ی ملی و مصدق بود و حزب و کادر های مخفی آن می توانند مانند گذشته به مبارزه ادامه دهند. رهبری حزب در این دوره نیز مرتکب اشتباه شد و دهها هزار تن اعضای فعال حزب، سازمان جوانان و سازمان نظامی را دست بسته تسلیم دشمن کرد. طی یک سال پس از کودتا، صدها تن از کادرها اعضای حزب و هواخواهان آن به زندان افتادند. در همین دوران افرادی مانند وارطان، محمود کوچک شبستری و زاخاریان، زیر شکنجه هلاک شدند.<sup>۲</sup>

مؤلف تاریخ تحلیلی شعر نو محتوای شعر شاعران طرفدار حزب توده را به قبل از کودتا و بعد از آن تقسیم کرده است. اشعار قبل از کودتا را تحت تاثیر تعلیمات حزب توده، مقالاتی موزون و مقفا می داند که تنها برای به حرکت در آوردن مردم برای تشکیل جامعه ای سوسیالیستی شکل گرفته بود و شعر غیر متعهدانه قبل از کودتا را به شدت مورد انتقاد قرار می داد. اما شعر بعد از کودتا و شکست جنبش ملی، بی اعتمادی گسترده ای را در بین شاعران و روشنفکران به وجود آورد. میل به ابتذال و عصیان دامن شعر را گرفت، و شعر مسلط نیمه ی اول دهه ی سی شعری عصیانی، خودشکنانه، شهوت آلود، رمانتیک و عموماً سیاه شد. اشعاری سرکشانه و احساساتی که احساس غبن و انتقامجویی از خود و جامعه و زندگی و حکومت و سیاست در آن موج می زد و مجموعه ها و شعر مجلات از واژه های گناه، رنج، مستی، هوس، درد، مرگ، اندوه، نومیدی، لذت، حسرت و عشق پر شد.<sup>۳</sup>

همان طوری که شکل گیری رمانتیسم فرانسه ناشی از برخورد با اندیشه های کشورهای دیگر اروپایی نظیر آلمان و انگلیس و نیز انقلاب کبیر فرانسه بود و ضدیت آنها با اصول مکتب کلاسیسم باعث پدید آمدن این نهضت در فرانسه شد، در ایران نیز با ترجمه کتب شعر و نشر این مکتب به وسیله ی کسانی که

۱ - همان، ص ۴-۳۰۱

۲ - تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله، ج ۱، صص ۴-۲۲۳

۳ - تاریخ تحلیلی شعر نو، شمس لنگرودی، ج ۲، صص ۲۴-۱۵

زبان فرانسوی می دانستند و تاثیری که نیما در افسانه به عنوان بنیانگذار شعر نو فارسی از این مکتب پذیرفته بود زمینه را برای تقلید شاعران بعد از خود فراهم کرد و از طرف دیگر شکست نهضت ملی ایران در سال ۳۲ و سرخوردگی شاعران و نویسندگان زمینه را برای تکامل هر چه بیشتر این شاخه ی فکری در ایران به وجود آورد.

علاوه بر ترجمه ی کتب یاد شده ، ترجمه ی آثار کافکا و سارتر، و نفوذ اندیشه های این دو تاثیر بسیاری در شکل گیری رمانتیسم سیاه داشته است . اندیشه ها و تفکرات اگزیستانسیالیستی که نماینده ی آن ژان پل سارتر بود را به راحتی می توان در مضامین مطرح شده در این جریان شعری مشاهده کرد .

کافکا وجدان حساس و نگاه تیز و بیدار زمانه ای پر آشوب بود. داستانهای به ظاهر غیر سیاسی و غیر اجتماعی او فریاد اعتراضی است که از دل اروپای تحقیر شده بر می خیزد. اروپایی که جنگ عظیمی را پشت سر نهاده ، شتابان برزخهای خود سرپوش نهاده و در تدارک کشتار عظیم دیگری است.<sup>۱</sup>

از جمله فیلسوفان و نویسندگانی که تاثیر زیادی از کافکا گرفته است ژان پل سارتر است. سارتر فلسفه ی نوشتن را از دو منظر مورد بررسی و تامل قرار داده است وی از یک منظر نوشتن را نوعی گریز و فرار می داند؛ فرار از مشکل، مصائب، ناخرسندی، دلتنگی های زندگی و در یک کلمه فرار از رنج هستی، سبب می شود تا نویسنده قلم به دست گرفته به بیان و تسکین دردهای بشری پردازد. در برابر طبیعت، خود را ناتوان می یابد و تسلیم و شکست را می پذیرد و هستی را گرگ درنده ای که برای مغلوب ساختن انسان ، قداره بسته است و به همین سبب گویای رنج ها و غم های بشری می شود و هر چه می گوید و می نویسد و اعتراض می کند، فریاد رسی نمی یابد.

سارتر معتقد است که با احساسات خوشبینانه و ساده لوحانه نمی توان کتاب های نغز نوشت. و به گفته ی آندره ژید همیشه با احساسات نیک است که ادبیات بد را به وجود می آورند. عقیده ی او بر این است که باید بدی ها و ظلمات را هر چه منفورتر و وحشتناکتر نشان داد تا خواننده از آنها دچار وحشت شود و گرد آنها نگردد. سستی ، خمودی، افسار گسیختگی و زور و تزویر چندشناک است و باید چندشناک نشان داده شود.

نویسنده ی واقعی کسی نیست که مدام به تمجید از نیکی ها پردازد چه نیکی نیکی است و هر چه از آن تمجید شود تزویر و خیانت است و جز یک خوش بینی سطحی و فریبناک چیزی در ذهن آدمیان نمی کارد. با گذر از پل بدی و آشکار کردن و لگد مال کردن آن است که می توان به نیکی رسید. معقول بودن و تاحدی بد بین بودن است که می تواند آثاری به وجود آورد که سبب خشم و برانگیختگی خواننده شود تا به پیکار علیه نابه سامانی ها بر خیزد.<sup>۲</sup>

۱ - «ادبیات پوچی»: مریم، مشرف، مجله ی دنیای سخن، سال پنجم، شماره ۲۵، ص ۴۲

۲ - «سارتر و رسالت نویسنده»: مریم، عبدالملکی، ماهنامه ی نیبان، شماره ی ۵۰، صص ۳۰-۲۶

به عقیده ی پیروان مکتب اگزیستانسیالیسم، این دنیا پوچ و بی هدف است و انسان در این جهان فانی و بی قانون بدون هیچ هدایتگری رها شده است تا هر کس بتواند انتخابگر مسیر زندگی خود باشد به طور کلی می توان گفت ادبیات اگزیستانسیالیستی ادبیات تراژیک و غمناک است که شاید این غم و اندوه ناشی از هراس انسان در افتادن در دام مرگ و نیستی باشد.<sup>۱</sup>

از جمله شاعران مطرح این جریان می توان به نصرت رحمانی، و فروغ فرخزاد اشاره کرد. نصرت رحمانی در جایی می گوید: «بعد از شکست ۳۲ ما ماندیم با آرمان های خودمان تا حقیقت آزادی و عدالت و انسانیت را پاس داریم و شکست خودمان را بسراییم. از یأس خود علیه نظم مستقر ضربه ی اعتراض بسازیم، اما شکست سبب شد که ما به درون خودمان به گنه وجودمان نگاه کنیم مثل کافکا.»<sup>۲</sup>

نصرت رحمانی از شاعران مطرح دهه ی سی است. او، شش مجموعه شعر منتشر کرد: کوچ (۱۳۳۳) کویر (۱۳۳۴) ترمه (۱۳۳۶) میعاد در لجن (۱۳۴۶) حریق باد (۱۳۴۹) درو (۱۳۵۰)

شعر نو که با اشعار رمانتیک و نوقدمائی توللی و نادر پور درمیان شعر خوانان و روشنفکران جوان نفوذ کرده و رواجی یافته بود با شعر رحمانی به میان اقشار پائین راه یافت و بیانگر وجهی از نیازها و آرزوها و سرکشی های آنان شد. شعر نصرت در پی رویکردش به توده های مردم سرشار از واژه های کوچه بازاری گردید.

شعر رحمانی که بیشترین تاریکی و خون و مرگ و لجن و تابوت و گور را در خود داشت پس از کودتا علاوه بر اقشاری از جامعه، موافق طبع عصیانی و خودشکنانه ی روشنفکران شکست خورده ی بعد از کودتا نیز واقع شد و جمع کثیری را به دنبالش کشید.<sup>۳</sup>

نصرت انسان را گاه به وحشت و سیاهی می برد. تصویر های شعرش از تاریکی می گذرد و شعر شاعر در این تاریکیها هیچ وقت پایان نمی گیرد و ادامه می یابد. خون بر لب های شعر شاعر نشسته است و لب های شعر از خون و مرگ و سیاهی لبریز است و وحشت که رویاهای ظریف شاعرانه را به قتلگاهی تبدیل می کند. تمامی اندیشه و محتوای شعر یا روایتی است از خون و قتل و کشتار و یا شاعر در سلول گور، راوی ارواح است.<sup>۴</sup>

دو چشم تیره که عمری به چهر من زیست

به هر چه ریخت نگه، درد و نفرت و غم بود

دو چشم تیره که در سوگواری یاران

تمام عمر سیه پوش و غرق ماتم بود (ترمه، آوازی در فرجام)

۱- «تنها مرگ است که دروغ نمی گوید»: لیدا، فخری، نشریه ی ایران ۸۱/۱۲/۲

۲- زندگی و شعر نصرت رحمانی، مهدی اخوان لنگرودی، نشر ثالث، تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۲۶

۳- تاریخ تحلیلی شعر نو، ج ۲، صص ۷-۷۶

۴- زندگی و شعر نصرت رحمانی، ص ۱۳۴



در شعر های رحمانی، خورشید، خون، فانوس های مرده، ظلمت های تاریک و دل سیاه، خون ماسیده ی عایران در رگ کوجه، زیاد دیده می شود.<sup>۱</sup>

سه مجموعه ی آغازین شاعر، کوچ و کویر و ترمه از جهاتی به سه مجموعه ی آغازین فروغ فرحزاد، اسیر، دیوار و عصیان، شبیه است. رمانتیسم تند و تیره، و افکار و اشعار عصیانی و عشقهای کاملاً زمینی که گاه رنگی از تردامنی و گناه آلودگی نیز دارد.<sup>۲</sup>

نفرین به سربلندی و پستی باد

نفرین به هوشیاری و مستی باد

نفرین به هر کسی که پرستی باد

نفرین به مرگ و به هستی باد ( ترمه ، آوازی در فرجام)

ترمه ، سومین مجموعه شعر نصرت رحمانی بود؛ مشتمل بر یک مقدمه و بیست و شش شعر. در صفحه اول، بالای عنوان کتاب نوشته شده بود: «به جهنم می روی؟ اشعار مرا با خود ببر» که از نوع جملات رمانتیک و عصیانی هنرمندان آن سالها بود. ترمه، اگر چه از نظر زبان، نسبت به مجموعه های پیشین رحمانی پخته تر و اثر گذار تر بود، ولی به همان نسبت تلخ تر، دوزخی تر، مرگ اندیشانه تر، احساساتی تر، و هنوز کم دامنه و کم عمق بود. شاعر مقدمه ای بغض آلود و سیاه بر کتاب نوشته بود که نماینده ی کامل رمانتیسم سیاه آن سال ها بود. رمانتیسم سیاهی که پس از تولدی در دهه ی بیست، رحمانی مشخص ترین چهره ی آن بود.

او در این مقدمه تحت عنوان «حرفی اگر باشد بیا به دنبال امیال مان تا جهنم برویم» می نویسد:

«بر پیشانی تابوت من نگاه کن! نوشته اند: و خدا شب را آفرید، غم را آفرید، نصرت را آفرید، و تو ای خوابزده! بیهوده در سرداب اشعار سیاه من به دنبال خورشید گمشده ی خود می گردی، جز گوری تهی و تابوتی قفل شده چیز دیگری نخواهی یافت».<sup>۳</sup> رحمانی تا آخرین شعر های کتاب میعاد در لجن از غربت و شب رها نیش نیست.

شب غریبی بود

شب بلند ستوه

شب شکوه و جنون

مرا رها کردند

میان چشمه های خون

به زیر تیغه ی باد

<sup>۱</sup> زندگی و شعر نصرت رحمانی، ص ۱۴۶

<sup>۲</sup> - جریانهای شعری معاصر فارسی، علی حسین پورجافی، انتشارات امیر کبیر، تهران ۱۳۸۴ ص ۱۸۴

<sup>۳</sup> تاریخ تحلیلی شعر نو، ج ۲، صص ۱۰-۴۰۹

جدا، جدا کردند

رحمانی تا ده سال بعد از مجموعه ترمه، میعاد در لجن را انتشار می دهد. اشعار میعاد در لجن چون اشعار پیشین رحمانی، سیاه و تلخ اند و اگر در کتابهای نخستینش اندک رایحه ای، امیدی، نوری پراکنده بود، میعاد در لجن جز از سیاهی و نفرت خبری نیست.<sup>۱</sup>

از ازل تا به ابد همه ناپودی است

زنده ای نیست در این دشت به جز کرکس پیر

استخوان من و تو ریخته در راه وجود

خیز و از کاسه ی سر زود شرابی برگیر<sup>۲</sup>

برای توضیح علت گرایش شاعران و شماری از روشنفکران این سالها به شراب و مخدرات و شهوت بارگی ها - که به صراحت نیز در شعر این شاعران از آن ها سخن گفته شده است - به قسمت هایی از شعر زمستان اخوان که در واقع بیانگر اوضاع جامعه ی کودتا زده ی ایران است پرداخته می شود.

سلامت را نمی خواهند پاسخ گفت... / و گردست محبت سوی کسی یازی / به اکراه آورد دست از بغل بیرون / که سرما سخت سوزان است / مسیحای جوانمرد من! ای ترسای پیر پیرهن چرکین / هوا بس ناجوانمردانه سرد است آی! / دمت گرم و سرت خوش باد / سلام را تو پاسخ گوی، در بگشای / منم من / میهمان هر شبت لولی وش مغموم / منم من / سنگ تپاخورده ی رنجور / منم، دشنام پست آفرینش، نغمه ی ناجور... / حریفا رو چراغ باده را بفروز، شب با روز یکسان است / سلامت را نمی خواهند پاسخ گفت / هوا دلگیر، درها بسته، سرها در گریبان، دست ها پنهان / نفس ها ابر، دل ها خسته و غمگین... / زمستان است

فضای شعر با اعتراضی علیه بی اعتنایی و دلمردگی جامعه نسبت به کوچکترین ارتباط های اجتماعی شروع می شود. این زمستان و سرمای که بر روابط جامعه سایه افکنده و همه را به نوعی گرفتار ساخته است، در حقیقت ناشی از بی اعتمادی آحاد مردم نسبت به تمام آرمانها و حرکت های آزادی خواهانه ای است که در اثر توطئه های داخلی و خارجی سرکوب گشته است.

شعر زمستان که تاریخ سرودن آن دی ماه ۱۳۳۴ است بیانگر محیط تنگ و بسته و خاموش، نبودن آزادی قلم و بیان، ناپودی آرمانها، تجربه های تلخ، پراکنندگی یاران و همفکران، بی وفاییها و پیمان شکنیها و سرانجام کوشش هر کس برای گلیم خویش از موج بدر بردن و دیگران را به دست حوادث سپردن است. در این سردی و پژمردگی و تاریکی است که شاعر زمستان، اندیشه و پویندگی را احساس می کند. سرمای موجود در این شعر سرمای سخت تهدید و سرکوب دولت نظامی زاهدی است. اخوان در ادامه مردم سرما زده ای را تصویر می کند که همه نسبت به یکدیگر بیگانه اند. افسرده و ناامید از فرا رسیدن

۱ - تاریخ تحلیلی شعر نو، ج ۳، ص ۴۱۳  
۲ - ترمه، آوازی در فرجام

روشنایی، دیگر فریب صبح کاذب را نمی خورند، به باده فروش و فراموشی پناه می برند و چراغ باده را تنها روشنگر شبهای غم زده و تاریک خود می دانند.<sup>۱</sup>

در حقیقت یک نوع گرایش خیام گونه در شعر اخوان مشاهده می شود، چرا که شاعران خیامی وقتی از اعتراض خود علیه نظام اجتماعی طرفی نمی بندند و راه حلی هم برای باز کردن گره های کور فکری خود پیدا نمی کنند، به این نتیجه می رسند که از وقت و زمانی که در اختیار دارند به کمال استفاده کنند و دست کم در جغرافیای خیال شاعرانه، به سبو و می و میخانه پناه ببرند.<sup>۲</sup>

از دیگر شاعران این جریان ادبی فروغ فرخزاد است. هر چند وی در نیمه ی راه مسیر خود را تغییر می دهد. اما انتشار سه مجموعه ی اول این شاعر یعنی اسیر (۱۳۳۴) دیوار (۱۳۳۵) و عصیان (۱۳۳۷) تحت تأثیر این جریان است. این سه مجموعه تحت تأثیر آثار فریدون توللی است و حتی فروغ فرخزاد در مصاحبه ای توللی را استاد خود معرفی می کند.

از دیگر شاخه های جریان رمانتیسم، رمانتیسم غنایی است، همان طور که قبلاً گفته شد آشنایی با این مکتب به وسیله ی مترجمانی صورت گرفت که زبان فرانسوی می دانستند و ترجمه ی کتب آنها وارد ایران شد. نخستین کسی که توانست با استفاده از آشنایی با ادب فرانسه آثار شعری خود را به پیروی از آنها عرضه کند و سرمشقی برای شاعران بعد از خود باشد نیما است و مهمترین اثر وی در این زمینه افسانه بود.

از ویژگیهای مهم جریان رمانتیسم عاشقانه، صبغه ی فرد گرایانه ی آن است. در این نوع از شعر معمولاً یا از من سخن می رود یا از تو. آنجا که به من مربوط است شاعر از عشق، آرزو، غم، اندوه، پریشانی و سایر کیفیات روحی خود سخن می گوید. و آنجا که به تو مربوط می شود، شاعر با معشوقی که معمولاً زمینی است، نجوا می کند و به توصیف او می پردازد یا از او گله و شکایت سر می دهد.

آنچه مورد غفلت شاعر است اجتماع و مسائل آن، و مردم و دردهای آنان است. شاعر آن قدر به خود، عشق، سوز، درد و داغ خود در ارتباط با معشوق مشغول است که فرصت و فراغت نمی یابد تا به دردهای مشترک هموعان خود نیز بیندیشد.<sup>۳</sup>

تخیل و احساسات عمیق در شعر شعرای رمانتیک جایگاه مهمی دارد. به طوری که می توان شعر رمانتیک را شعر احساس و عشق نامید. این عشق با اندوهی همراه است که تمام وجود شاعر را در خود می گیرد و او را وادار می کند که به مرگ و نیستی بیندیشد در نتیجه بیزارانی که از واقعیت دارد آنچه که مجسم و لمس شدنی است خشن و نازیبنده و مبتدل جلوه می کند. تنها آن قسمت از عالم که غمگین و

۱ - «گفتمان انتقادی - سیاسی در شعر م. امید»: وحید، امائی، نمایه

۲ - «اخوان درخیمه خیام»: مهدی، زرقانی، مجله ی دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ی ۱۵۱، زمستان ۱۳۸۴

۳ - جریانهای شعری معاصر فارسی، ص ۱۲۶

مبهم و تاریک است شایستگی توصیف را دارد. به همین جهت خاطر شاعر رمانتیک تنها در شب آرام می گیرد. زبان او هنگامی باز می شود که خوف تاریکی در دل هر ذره رخنه کند.<sup>۱</sup>

از درون مایه دیگر این جریان، تبدیل شدن معشوق آسمانی، عرفانی شعر سنتی به معشوق زمینی، جسمانی، شهوانی و عینی است. مقام معشوق در این نوع شعر از عرش به فرش تنزل می یابد و عشق که رابطه روحی و معنوی بود به رابطه ای جسمی و فیزیکی تغییر جهت می دهد.<sup>۲</sup>

فروغ فرخزاد نیز در این باره می گوید: «در جنبه های لیریک یا تغزلی و عاشقانه شعر امروز، احساس های سطحی و رشد نیافته ای به عنوان شعر عرضه شده اند. در شعر امروز هرگز از عشق به عنوان یکی از زیباترین و پاکیزه ترین عواطف بشری یاد نشده است. پیوند و آمیختگی دو جسم و زیبایی قدوسی آن که به نماز و ستایشی می ماند، تا حد یک نیاز و احتیاج بدوی تنزل کرده است. عشق در شعر امروز عبارت است از مقداری تمنا، مقداری سوز و گداز و سرانجام سخنی چند در باره ی وصال است که پایان همه چیز است.»<sup>۳</sup>

دکتر شفیعی کدکنی درون مایه های این نوع شعر را ستیز با اخلاقیات و اعتقادات حاکم بر جامعه و نفرت و دشمنی با نهاد ها و اصول سنتی اخلاق حاکم بر جامعه چه به شکل دینی یا عرفی و نیز کفرگفتن و تجاهر به فسق می داند.<sup>۴</sup>

محتوای دیگری که می توان در شاخه ی رمانتیسم غنایی مشاهده کرد این است که شعر شاعران رمانتیک غالباً از اندیشه و تفکر تهی است. شاعر این جریان نمی خواهد تا در ضمن مضامین و تصاویر شعری خود اندیشه و فکری را نیز به خواننده و مخاطب القا کند، بلکه فقط به خلق تصاویر و تعابیر بدیع و نو و القای عاطفه و احساس می اندیشد.

مسئله ی اظهار خستگی و ملالت از زندگی و طلب مرگ و نیستی دیگر درون مایه های شعر این جریان است. در واقع هاله ای از ناله و ابری از اندوه، اشعار شاعران این جریان را فروپوشانده است، از رهای توللی گرفته تا سراب ابتهاج و اشک و بوسه فریدون کار، و از اشک مهتاب مهدی سهیلی گرفته تا چشمها و دستها از نادر پور، همه غمنامه هایی هستند سرشار از درد و رنجهایی که در بسیاری از موارد دروغین و ساختگی جلوه می کنند. عامل اصلی این درد و رنجه معمولاً سوز و گدازها و هجر و حرمانهای عاشقانه است.<sup>۵</sup>

فریدون توللی پیشوای شعر نو تغزلی است، او در اغلب سروده هایش نشان می دهد که از بیان احساسات فردی و شخصی تجاوز نمی کند و همواره روح غنائی را در تخیلات فردی جلوه می دهد. مجموعه ی

۱- رمانتیسم اصول و نفوذ آن در شعر ایران، صص ۴-۲۲۳

۲- جریانهای شعری معاصر فارسی، ص ۱۲۷

۳- جاودانه زیستن در اوج ماندن، صص ۱۶۲-۱۵۷

۴- ادوار شعر فارسی، ص ۶۷

۵- جریانهای شعر معاصر فارسی، صص ۹-۱۲۸